



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق احسن البصم

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



۲۷

استاذ الفقه وفتوی  
مجلس اعلیٰٰ دینی و تحقیقات اسلامی



حمیدرضا شاکرین

آیا می توان نماز را به فارسی خواند؟!



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما ۲۷ : (آیا می توان نماز را به فارسی خواند)

نویسنده:

حمیدرضا شاکرین

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	رهنما ۲۷ : (آیا می توان نماز را به فارسی خواند)
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	چرا نماز را به فارسی نخوانیم؟
۱۲	حکمت های عربی بودن نماز
۲۲	تأثیر بی بدیل قرآن
۲۸	پویایی و پایایی فرهنگ دینی
۳۱	نماد وحدت
۳۲	حکایتی خواندنی
۴۱	درباره مرکز

## رهنما ۲۷: (آیامی توان نماز را به فارسی خواند)

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: آیامی توان نماز را به فارسی خواند؟/ نویسنده حمیدرضا شاکرین؛ برای آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۶ص؛ ۱۲×۱۷س م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۸۹-۵

موضوع: نماز -- ادبیات کودکان و نوجوانان

سرشناسه: شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳ [ج]

رده بندی کنگره: BP۱۸۶/ش ۹۲۱۶۴ ۱۳۹۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۷۷۷۶۶

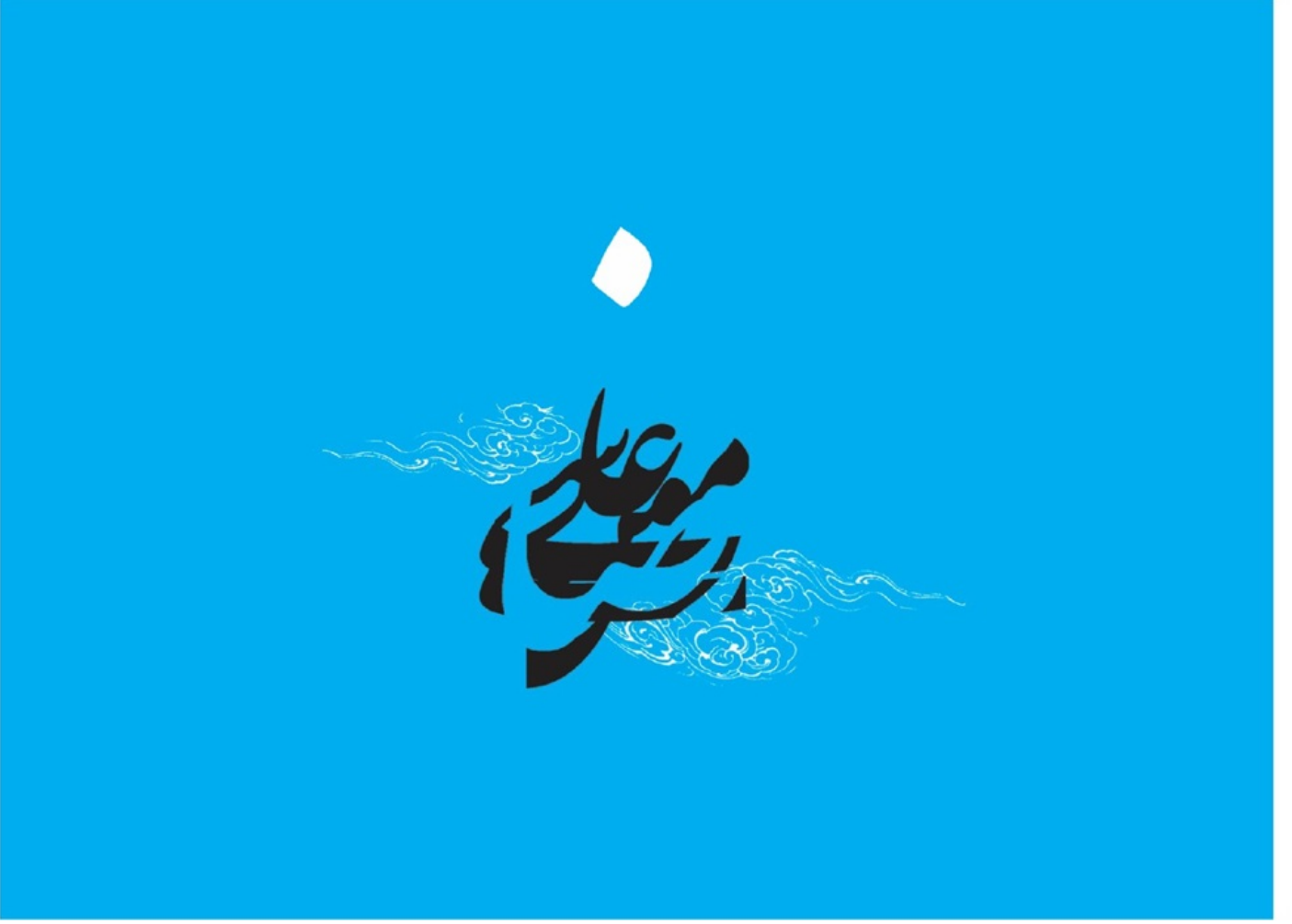
ص: ۱

اشاره









## چرا نماز را به فارسی نخوانیم؟

وجه همت نویسنده در پدید آوردن این اثر، پاسخ به پرسش های زیر بوده است:

۱. خواندن نماز به فارسی باعث توجه بیشتر به معانی عبارت ها می شود. پس چرا باید عربی بخوانیم؟
۲. چرا برتری زبان عربی، آن هم به اقرار قرآن پژوهان غربی، دلیلی بر عربی خواندن نماز می شود؟
۳. آیا پاسداری از زبان دین و استمراربخشی به آن، وظیفه ماست؟
۴. عربی خوانی نماز چگونه در تداوم و پایایی دین مؤثر است؟
۵. پاسخ شگفت و قانع کننده مرحوم ارباب به دغدغه جوانانی که نماز را به فارسی می خواندند، چه بود؟

ص: ۵



برای بسیاری این پرسش وجود دارد که راز عربی بودن نماز چیست و آیا برای ما که فارسی زبان هستیم، بهتر نیست نماز را به زبان مادری خود بخوانیم تا برایمان آسان تر باشد و مضمون آن را بهتر بفهمیم؟ در پاسخ به این پرسش، نکات مختلفی برای گفتن وجود دارد که اینک به اختصار برخی از آن ها را بررسی خواهیم کرد.

## حکمت های عربی بودن نماز

عربی بودن نماز حکمت هایی دارد، از جمله:

زبان دین

زبان عربی نه زبان یک قوم، بلکه زبان دین ماست و از این رو برای ما اهمیت بسیاری دارد. انس و آشنایی با زبان عربی سبب پیوند مستقیم ما با کلام خدا و سنت گفتاری پیامبر و ائمه معصوم می شود.

ص: ۷

عربی بودن نماز یکی از عواملی است که رابطه دائمی انسان با زبان دین و پیوند گسست ناپذیر او با کتاب آسمانی را سبب می شود و زمینه آشنایی مستقیم با معارف دینی را فراهم می آورد. از همین رو مسلمانان، از هر نژاد و دارای هر زبان، همواره کوشیده اند که با این زبان آشنا شوند تا از طریق آن، رابطه بهتر و مستقیم تری با معارف دینی برقرار کنند؛ برای نمونه، دکتر محمد تقی الدین الهلالی در مقدمه تفسیر قرآن به زبان انگلیسی از شیخ عمر ازبک، یکی از عالمان ترک تبار ازبکستان، نقل می کند:

«از زمانی که روس ها ما را وادار به آموختن زبان خودشان کردند، نذر کردم که جز با زبان قرآن و پیامبر سخن نگویم؛ زیرا دانستم که آنان آگاهانه به این کار دست زده و می دانند که در قالب آموزش زبان انسان ها عقاید و افکار آنان را فرا گرفته و با آنان در می آمیزند. پس بگذار هر که با من انس می گیرد، زبان قرآن را بیاموزد و من خود در این باره به او کمک

زبان عربی از نظر واژگان، مفاهیم و ساختار معنایی، به ویژه در حوزه معارف دینی، بسیار غنی است. از سوی دیگر، بخش مهمی از نماز به قرائت سوره هایی از قرآن اختصاص دارد. قرآن نیز ویژگی های منحصر به فردی دارد؛ از جمله اینکه واژه های به کار رفته در آن، شیوه تعبیر، پیوند واژه ها و سازه های کلام با یکدیگر، با اعجاز همراه است و بشر هرگز قادر نیست که با دقت و صحت کافی، کلام خدا را به زبان دیگر برگرداند و جایگزین متن اصلی و عربی آن کند؛ البته مشکل ترجمه مشکلی فراگیر است و اختصاص به کتاب الهی ندارد، تا آنجا که

برخی، همچون کواین، ترجمه را امکان ناپذیر می‌انگارند. از همین رو پژوهشگران چیره دست در متون علمی، تا حد امکان استناد به اصل منابع استفاده شده خود را بر استفاده از ترجمه‌ها و نقل قول از آن‌ها ترجیح می‌دهند؛ اما حساسیت این مسئله در خصوص قرآن مجید صد چندان است. پروفیسور ایزوتسو، قرآن پژوه معاصر، می‌نویسد:

«واژه‌های ترجمه شده در بهترین صورتشان جز معادل‌های جزئی نیستند. از آن‌ها فقط می‌توان به عنوان رهنمودهای ساخته و پرداخته‌ای در برداشتن گام‌های لرزان نخستین استفاده نمود؛ هر چند در بسیاری از موارد از این بابت نه تنها وافی به مقصود نیستند، بلکه گمراه‌کننده نیز می‌باشند؛ ولی به هر حال، هرگز نمی‌توان بحث و بررسی ساختمان جهان بینی اخلاقی قومی را بر بنیاد آن‌ها مستقر ساخت.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۰

---

۱- توشیهیکو ایزوتسو، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: قلم، ص ۲.

استاد حجتی نیز بر آن است که «مفردات و تکواژه های قرآن به گونه ای به هم پیوند یافته اند که با گذر از هر بخشی از این تراکیب به بخش دیگر، معنی بدیع تر و دقیق تری را یکی پس از دیگری القا می کنند.»<sup>(۱)</sup> او سپس می نویسد: «در قرآن کریم، به خاطر اینکه به زبان عربی است و این زبان از تنوع واژه و رسایی آن ها غنی است، کلمات مترادف به مفهوم اصطلاحی در آن وجود ندارد و در نتیجه، الفاظی که در قرآن مترادف به نظر می رسند، هر یک حامل خصوصیتی است متمایز از یکدیگر که ترداف را از آن ها سلب می کند. با توجه به نکته اخیر انتخاب واژه های عربی در قرآن با خصیصه اعجاز توأم است. به عبارت دیگر، به جای لغتی که در قرآن کریم مرادف با لغت دیگر به نظر می رسد، محال است لغت دیگری را به کار برد؛ [برای مثال،] در قرآن کریم واژه های «خالق»، «بارئ»، «فاطر» در جایگاه های مختلفی

ص: ۱۱

---

۱- سید محمد باقر حجتی، «ویژه نامه ترجمه قرآن»، فصل نامه مترجم، ش ۱۰، س ۳، تابستان ۱۳۷۲، ص ۳۵.



آمده که نمی توان خصوصیات آن ها را با تعبیر «آفریدگار» القا کرد. از آنجا که خداوند متعال بر همه لغات از نظر آگاهی احاطه کامل دارد، بهترین آن ها را در جای مناسب آورده است که این کار از عهده توانایی بشر بیرون است. به تعبیر پاره ای از علما، ترجمه قرآن بسان استفاده از اندام مصنوعی به جای اندام طبیعی است و هرگز نمی تواند با قرآن کریم هم سطح باشد.»(۱)

ایشان در جای دیگر آورده است که معمولاً مترجمان، کلمه «انابه» را به تضرع و زاری و امثال آن برمی گردانند؛ در حالی که این ترجمه کالبدی بی روح از واژه ای است زنده. اگر حضرت ابراهیم [الخلیم] اوّاه منیب(۲) خوانده شده است، «انابه» او عبارت از گسستن از غیرخدا و پوچ انگاشتن علل و اسباب مادی و پیوستن به خداست و انابه او یعنی نیست انگاری ما سوی الله و گسستن از آن ها و پیوندیافتن با خدایی که هستی واقعی از آن اوست. این

ص: ۱۲

---

۱- . همان.

۲- . هود، ۷۵.

حالت عرفانی را که در روح مفهوم واژه انابه وجود دارد، چگونه می توان با تضرع و زاری القا کرد؟»<sup>(۱)</sup>

چرا جای دور برویم؟ چه کسی تا کنون توانسته است ترجمه ای دقیق و معتبر از سوره حمد و توحید که همه روزه در نمازها تکرار می شوند، به دست دهد؟ نگارنده که مدت ها در ترجمه های قرآن مجید به زبان های مختلف کاوش کرده و اطلاعاتی از بیش از دوهزار ترجمه قرآن به بیش از

یکصد زبان به دست آورده، تاکنون به ترجمه دقیقی از آیه شریف (بسم الله الرحمن الرحيم) دست نیافته است. کلمه «الله» اسم خاص خداوند است و واژه هایی همچون «خدا»، «Dieo»، «God» و «Gottes» به عنوان معادل هایی تقریبی در برابر آن قرار می گیرند. بسیاری از مترجمان قرآن، مانند رودی پارت در ترجمه آلمانی، پروفیسور حمیدالله

ص: ۱۳

---

۱- . حجتی، پیشین، ص ۶۲.

Allah خدا Jainkoaren  
Бог God  
D u jumal  
上帝 Diyos  
bog B h Gud Bondye  
Gott

در ترجمه فرانسوی و محمد (مارمادوک) پیکتال در ترجمه انگلیسی قرآن به این نکته توجه کرده اند. پیکتال در مقدمه سوره حمد می نویسد: «من در همه جای این ترجمه واژه Allah را حفظ نموده ام؛ زیرا این واژه هیچ معادلی در زبان انگلیسی ندارد.»<sup>(۱)</sup> او در تبیین تفاوت های اسم جلاله «الله» و واژه «God» در انگلیسی می نویسد: «از ویژگی های کلمه الله این است که نه مؤنث دارد و نه جمع پذیر است و لا جرم جز بر ذات یکتای و هم ناپذیر و متعالی، بر کسی یا چیزی قابل اطلاق نیست؛»<sup>(۲)</sup> برخلاف واژه «God» که هم تأنیث پذیر است (Goddess) و هم جمع پذیر (Gods/Goddesses)، یا مانند کلمه «خدا» در فارسی که به «خدایان» جمع می شود و از همین رو به غیر ذات حق تعالی نیز اطلاق می شود.

ص: ۱۵

---

۱- P. ۳. The Glorious Quran, Trans by: M. Pichthall, Salehi Publications Tehran, P. ۳.

۲- Ibid .

همچنین «الرحمن» و «الرحیم» هر یک به گونه خاصی از رحمت الهی اشاره دارند<sup>(۱)</sup> و تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد، معادل دقیقی برای هیچ یک از آن دو در زبان های دیگر شناخته نشده است. واژه هایی چون «بخشنده»، «بخشاینده»، «بخشایشگر»، «مهربان»، «مهرورز» و امثال آن در فارسی یا **Merciful، Compassionate، Mercy-giving، Beneficent** در انگلیسی و **Tres Misericordieux** در زبان فرانسه و نیز **des Gnadigen، des Barmherzigen** در زبان آلمانی هرگز نمایانگر معنای دقیق و معارف نهفته در واژه های «الرحمن» و «الرحیم» نیستند.

ص: ۱۶

---

۱- نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، تفسیر سوره حمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قرآن از نظر لطافت و زیبایی، اعجاز آمیز و بدیل ناپذیر است و از همین رو جاذبه نیرومند و خارق العاده ای دارد. ساواری در مقدمه ترجمه قرآن به زبان فرانسوی می نویسد: «قرآن دارای تأثیری خاص و جاذبه ای ویژه است که مانند آن برای هیچ یک از کتاب ها نیست.»<sup>(۱)</sup>

بنابراین، اگر مشکل معادل گذاری برای معانی بلند قرآن که در نماز قرائت می شود، به گونه ای حل شدنی باشد، لطافت و زیبایی آسمانی قرآن با هیچ ترجمه بشری فراچنگ آمدنی نیست. مگر نه این است که ترجمه های منظوم و مسجع و آهنگین قرآن پیش از آنکه در میان مردم جایی باز کند، به سرعت طراوت و زیبایی خود را از دست داده و تنها در موزه ها جایی برای خود پیدا می کند؛ اما قرآن مجید قرون و اعصار را درنوردیده و میلیاردها انسان

ص: ۱۷

---

۱- مرتضی باقریان، پیرامون قرآن و عهدین، چ ۳، قم: دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۸۵.

را از سویدای دل، شیفته و دل باخته خود ساخته و همواره پرتوافشانی های آن فزونی می یابد.

پیکتال می نویسد: «قرآن را نمی توان ترجمه کرد؛ زیرا نغمه و آوای بی نظیر و آهنگ دل نشین آن، انسان را دگرگون می سازد و او را به خشوع و گریه یا شور و شوق وا می دارد.»<sup>(۱)</sup> پروفیسور ا. گیوم<sup>(۲)</sup> بر آن است که: «قرآن با آهنگ زیبای مخصوص دارای موسیقی دل نوازی است که گوش را می نوازد. عده کثیری از مسیحیان عرب زبان سبک قرآن را ستوده اند و از میان شرق شناسان کسانی که به زبان و ادبیات عرب آشنایی دارند، فصاحت و لطف و ظرافت شیوه قرآن را می ستایند. زمانی که قرآن را تلاوت کنند، جذابیت خاص آن بی اختیار شنونده را به سوی خود می کشد و این حلاوت و موسیقی دل نشین بود که فریاد سرزنش کنندگان را خاموش کرد و به کالبد شریعت پیامبر اسلام روح دمید و آن را غیر قابل تقلید گردانید. در

ص: ۱۸

---

۱- . The Meaning of the Glorious Qoran, by: Muhammad M. Pichthall, Muslim World League

.Rabita, ۱۹۷۷, P.III

۲- . Alfred A. Guillume

پهنه نظم و نثر و ادبیات پر دامنه عرب، کتابی به فصاحت و بلاغت و بلندپایگی و پرمایگی قرآن نمی شناسیم و اثری نیست که بتوان آن را با قرآن مقایسه نمود. تأثیر عمیق آیات قرآن بر عرب و غیرعرب آن چنان است که عنان از کف می دهند.»<sup>(۱)</sup> آرنولد نولد که آلمانی در کتاب خود، تاریخ قرآن، آورده است: «کلمات قرآن چنان خوب و به هم پیوسته است که شنیدنش، با آن هماهنگی و روانی، گویی نغمه فرشتگان است، مؤمنان را به شور می آورد و قلب آنان را مالا مال از وجد و شعف می گرداند.»<sup>(۲)</sup>

بارتلمی سنت هیلر، دانشمند فرانسوی، می نویسد: «قرآن کتابی است بی همتا که زیبایی ظاهری و عظمت معنوی آن برابر است. استحکام الفاظ و انسجام کلمات و تازگی افکار در

ص: ۱۹

---

۱- . ۱۰. ۲. p. ۱۹۷۴. V. ۲. The Quran Interpreted, A. J. Arbery, Newyork, ۱۹۷۴. به نقل از: عبدالکریم بی آزار شیرازی، ترجمه

تصویری و تفسیر آهنگین سوره فاتحه و توحید، چ ۲، تهران؛ فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۵.

۲- . ۲. ۵۶. p. Geschichte des Quran, Neeldke, به نقل از: همان



سبک نوظهور آن، چنان متجلی است که پیش از آنکه خردها تسخیر معانی آن گردند، دل‌ها تسلیم آن می‌شوند. در میان پیامبران هیچ کس مانند پیامبر اسلام نتوانسته است این همه نفوذ کلام داشته باشد. قرآن با سبک خاص خود، هم سرود مذهبی است و هم نیایش الهی، هم شریعت و قوانین سیاسی و حقوقی و هم نوید بخش و هشدار دهنده، هم پندآموز و هم راهنما و هدایت کننده به راه راست و هم بیان کننده قصه، داستان، حکم و امثال. بالاخره، قرآن زیباترین اثر به زبان عربی است که در میان کتاب‌های مذاهب جهان نظیر ندارد. مسیحیان عرب زبان معترف اند که این کتاب شریف چه تأثیر شگرفی در دل و جان شنندگان دارد.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۲۰

---

۱- . Hilaire, B. Saint, Mohomet et le Quran Paris, ۱۸۶۵, p.۱۸۷۰. به نقل از: همان. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ک: مصطفی صادق رافعی، اعجاز قرآن، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱؛ سید قطب، التصوير الفنی فی القرآن؛ عبدالکریم بی آزار شیرازی، ترجمه تصویری و تفسیر آهنگین سوره فاتحه و توحید، تهران: فرهنگ اسلامی.

مارگریت مارکوس (مریم جمیله)، دوشیزه یهودی زاده آمریکایی، در شرح حال خود و چگونگی تمایلش به اسلام، آورده است که شنیدن آیاتی از قرآن مجید چنان او را شیفته و دل باخته کرد که موجب انس دائمی اش با قرآن شد و او را به مطالعه و بررسی درباره اسلام ترغیب کرد و این مسئله در نهایت به هدایت او به این دین مبین و نگارش ده ها کتاب و مقاله در دفاع از اسلام منجر شد. (۱)

بنابراین قرائت آیات الهی در نماز، به ویژه اگر همراه با نغمه دل انگیز قرآن و توجه و تدبر

در معانی آیات آن باشد، چنان تأثیری دارد که ترجمه را بدان راه نیست.

ص: ۲۱

---

۱- نک: مقالاتی از بانو مریم جمیله، ترجمه غلامرضا سعیدی و اقدس حسابی، قم: حر، ۱۳۵۶، ص ۹ تا ۱۲.



از منظر جامعه شناختی، زبان یکی از مهم ترین نمادها (۱) است. «نمادها رکن بنیادین زندگی اجتماعی انسان اند. بدون نمادها یا فرهنگ، انسان ها ناشناخته و سردرگم خواهند بود و جهان، آن گونه که ما آن را می شناسیم، از هم خواهد گسست.» (۲) «انسان ها در خلال نظامی از نمادها با یکدیگر رابطه برقرار می کنند، گذشته را به یاد می آورند و آینده را پیش بینی می کنند.» (۳)

ص: ۲۳

---

### ۱- Symbols.

- ۲- . جاناتان اچ. ترنر، مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیر بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۷۴.
- ۳- . همان، ص ۷۵.

از طرف دیگر، زبان نقش اساسی در فرهنگ پذیری (۱) و پایایی فرهنگی (۲) ایفا می کند. زبان، برجسته ترین عنصر فرهنگی، منتقل کننده آن و حافظ هویت تاریخی و فرهنگی هر ملت است. یکی از مشکلات بزرگی که تکنولوژی های جدید ارتباطی، همچون ماهواره و اینترنت، پدید آورده اند، این است که سلطه نمادهای جدید و سربرآوردن یک زبان مسلط، موجب انقطاع فرهنگی و گسست رابطه نسل جدید با پیشینه فرهنگی خویش می شود و آن نیز به نوبه خود، زوال هویت را در پی می آورد.

## انقطاع زبانی B

گسست فرهنگی B زوال هویت

ص: ۲۴

- 
- ۱- Acculturation. فرهنگ پذیری عبارت است از دگرگونی فرهنگی که از اشاعه فرهنگ، یعنی پخش عناصر فرهنگی از جامعه ای به جامعه دیگر، تحقق می یابد. برای آگاهی بیشتر، نک: چنگیز پهلوان، فرهنگ شناسی، تهران: پیام امروز، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴.
  - ۲- Cultural Stability. پایایی فرهنگی عبارت است از حفظ الگوهای فرهنگی در تماس با دیگر فرهنگ ها و تغییرناپذیری آن در برابر الگوهای فرهنگی معارض.

اگر استعمار نو (Neo-Colonialism) با تمام توان در بسط زبان خود می کوشد، از آن روست که بهترین راه تحمیل فرهنگ و بیگانه سازی ملت ها با هویت خویش تغییر در زبان و ارتباطات کلامی است؛ برای نمونه روشنفکر نمایان غربگرا همچون آخوندزاده و ملکم خان در ایران و امثال آتاتورک در ترکیه فرایند دین زدایی و سکولاریزه کردن اجتماع را از مبارزه با خط و زبان عربی آغاز می کنند که ریشه در همین نکته دارد. (۱)

با توجه به آنچه گذشت، می توان گفت یکی از حکمت های مهم عربی بودن نماز این است که از طریق آن، فرایند فرهنگ پذیری، انتقال، پویایی، استمرار و پایایی فرهنگ دینی در طول قرن ها و در میان نسل های پی در پی به خوبی انجام پذیرد. همه مسلمانان در هر زمان و هر مکان، از طریق نمازهای پنج گانه، ارتباط دائمی خود را با زبان دین حفظ کرده اند و

ص: ۲۵

---

۱- . جهت آگاهی بیش تر نک: جملیه علم الهدا، نقش جریان روشنفکری درسکولاریسم تربیتی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۴۸ تا ۶۸.

به وسیله این نماد، عناصر فرهنگ دینی را در میان خود نهادینه ساخته اند و به نسل های بعدی منتقل می کنند.

از طرف دیگر، این ارتباط پیوسته و دائمی و دارابودن زبان مشترک دینی به پایایی فرهنگ دینی مدد می رساند و جوامع اسلامی را در حد چشمگیری در برابر تهاجم فرهنگی بیگانگان مصون می سازد. بنابراین عربی بودن نماز، هم در فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی مسلمانان نقش بسزایی دارد و هم در پایایی و پایداری فرهنگ و هویت دینی آنان.

### **نماد وحدت**

زبان یکی از محورهای اشتراک و وحدت انسان هاست. از طرف دیگر، نماز به عنوان آیین عبادی دائمی و همگانی بیشترین نمادهای وحدت بخش را در خود نهفته دارد و نمایانگر یکپارچگی امت اسلامی در سراسر جهان بوده و الگویی بسیار زیبا و منحصر به فرد از وحدت

ص: ۲۶

امت از هر دیار و هر نژاد و هر طبقه اجتماعی است. پرستش خدای یگانه با افعال و اذکار واحد، رو به قبله واحد و با استفاده از زبان واحد چیزی است که در هیچ جای جهان نظیری برای آن نمی توان یافت. بنابراین عربی بودن نماز در ایجاد انسجام و یکپارچگی و وحدت امت اسلامی نیز نقش بسزایی دارد.

### حکایتی خواندنی

اکنون از باب حُسن ختام و شیرینی کلام، خاطره استاد محمدجواد شریعت با مرحوم آیت الله رحیم ارباب اصفهانی را درباره خواندن نماز فارسی تقدیم می کنیم:

سال ۱۳۳۲ش بود. من و عده ای از جوانان پرشور آن روزگار پس از تبادل نظر و مشاجره به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ عاقبت تصمیم گرفتیم نماز را به زبان فارسی بخوانیم و همین کار

ص: ۲۷



را هم کردیم. والدین کم کم از این موضوع آگاهی یافتند و به فکر چاره افتادند. آن ها پس از تبادل نظر با یکدیگر تصمیم گرفتند با نصیحت ما را از این کار باز دارند و اگر مؤثر نبود، راهی دیگر برگزینند؛ چون پنددادن آن ها مؤثر نیفتاد، ما را نزد یکی از روحانیان آن زمان بردند. آن روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می خوانیم، به شیوه ای اهانت آمیز نجس و کافرمان خواند. این عمل او ما را در کارمان راسخ تر و مُصِرتر ساخت.

عاقبت یکی از پدران، والدین دیگر افراد را به این فکر انداخت که ما را به محضر حضرت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار گرفت. آن ها نزد حضرت ارباب شتافتند و موضوع را با وی در میان نهادند. او دستور داد در وقتی معین ما را خدمتش رهنمون شوند. در روز موعود ما را که تقریباً پانزده نفر بودیم، به محضر مبارک ایشان بردند. در همان لحظه اول، چهره نورانی و خندان وی ما را مجذوب ساخت. آن بزرگ مرد را غیر از دیگران یافتیم و دانستیم که با شخصیتی استثنایی روبه رو هستیم. آقا در آغاز، دستور

پذیرایی از همه ما را صادر فرمود؛ سپس به والدین ما فرمود: «شما که به فارسی نماز نمی خوانید، فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندانمان تنها بگذارید.»

وقتی آن‌ها رفتند، به ما فرمود: «بتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چه سطح تحصیلی و چه رشته‌ای درس می‌خوانید.» آنگاه به تناسب رشته و کلاس ما پرسش‌های علمی مطرح کرد و از درس‌هایی مانند جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسید که پاسخ اغلب آن‌ها از توان ما بیرون بود. هرکس از عهده پاسخ بر نمی‌آمد، با اظهار لطف وی و پاسخ درست پرسش روبرو می‌شد. پس از آنکه همه ما را خلع سلاح کرد، فرمود:

«والدین شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی می‌خوانید. آن‌ها نمی‌دانند من کسانی را می‌شناسم که نعوذبالله، اصلاً نماز نمی‌خوانند. شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می‌خواستم مثل شما نماز را به فارسی



بخوانم؛ ولی مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم. اکنون شما به خواسته دوران جوانی ام جامه عمل پوشانیده اید. آفرین به همت شما. در آن روزگار، نخستین مشکل من ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده اید. اکنون یکی از دیگران مسلط تر است، بگویند [بسم الله الرحمن الرحيم] را چگونه ترجمه کرده است.»

یکی از ما به عادت دانش آموزان دستش را بالا گرفت و برای پاسخ دادن داوطلب شد. آقا با لبخند فرمود: «خوب شد طرف مباحثه ما یک نفر است؛ زیرا من از عهده پانزده جوان نیرومند بر نمی آمدم.» بعد به آن جوان فرمود: «خُب بفرمایید بسم الله را چگونه ترجمه کردید؟» آن جوان گفت: «طبق عادت جاری، به نام خداوند بخشنده مهربان.» حضرت ارباب لبخند زد و فرمود: «گمان نکنم ترجمه درست بسم الله چنین باشد. در مورد «بسم» ترجمه «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خداست و اسم خاص را نمی توان ترجمه کرد؛ مثلاً اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی توان به آن گفت «زیبا». ترجمه

«حسن» زیباست؛ اما اگر به آقای حسن بگویم آقای زیبا، خوشش نمی آید. کلمهٔ الله اسم خاصی است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می کنند. نمی توان «الله» را ترجمه کرد، باید همان را به کار برد. خب، «رحمن» را چگونه ترجمه کرده اید؟»

رفیق ما پاسخ داد: «بخشنده». حضرت ارباب فرمود: «این ترجمه بد نیست، ولی کامل نیست؛ زیرا «رحمن» یکی از صفات خداست که شمول رحمت و بخشندگی او را می رساند و این شمول در کلمهٔ بخشنده نیست. «رحمن» یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را در کتف لطف و بخشندگی خود قرار می دهد و نعمت رزق و سلامت جسم و مانند آن اعطا می فرماید. درهرحال، ترجمهٔ بخشنده برای «رحمن» در حد کمال ترجمه نیست. خب، رحیم را چطور ترجمه کرده اید؟»

رفیق ما جواب داد: «مهربان». حضرت آیت الله ارباب فرمود: «اگر مقصودتان از رحیم، من بود، چون نام وی رحیم بود، بدم نمی آمد «مهربان» ترجمه کنید؛ اما چون رحیم کلمه ای

قرآنی و نام پروردگار است، باید درست معنا شود. اگر آن را «بخشاینده» ترجمه کرده بودید، راهی به دهی می برد؛ زیرا رحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می کند. پس آنچه در ترجمه «بسم الله» آورده اید، بد نیست؛ ولی کامل نیست و اشتباهاتی دارد.

من هم در دوران جوانی چنین قصدی داشتم؛ اما به همین مشکلات برخورددم و از خواندن نماز فارسی منصرف شدم. تازه این فقط آیه اول سوره حمد بود. اگر به دیگر آیات پردازیم، موضوع خیلی پیچیده تر می شود؛ اما من معتقدم شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن فارسی برندارید؛ زیرا خواندنش از نخواندن نماز به طور کلی بهتر است.»

در اینجا، همگی شرمنده و منفعل و شکست خورده از وی عذر خواهی کردیم و قول دادیم ضمن خواندن نماز به عربی، نمازهای گذشته را اعاده کنیم. ایشان فرمود: «من نگفتم به عربی نماز بخوانید. هر طور دلتان می خواهد بخوانید. من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم.»

ما همه عاجزانه از وی طلب بخشایش و از کار خود اظهار پشیمانی کردیم. حضرت آیت الله ارباب با تعارف میوه و شیرینی، مجلس را به پایان برد. ما همگی دست مبارکش را بوسیدیم و درحالی که ما را بدرقه می کرد، خداحافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانۀ خود دست برداشتیم. (۱)

ص: ۳۴

---

۱- ماهنامه پرسمان، ش ۴۰، س اول، آذر ۱۳۸۰، ص ۷۶.





بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
  ۲. ارتباط با مراکز هم سو
  ۳. پرهیز از موازی کاری
  ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
  ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

